

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ تا توافق پایدار ایران و آمریکا چند قدم باقی مانده است؟

محمد ضرغامی

کمتر از یک دقیقه پیش



نشست «دریاچه لوسرن» میان آمریکا و ایران با میانجی‌گری پاکستان و قطر

شاید مهم‌تر از خود تفاهم، لحظه‌ای باشد که دو طرف یک درگیری، به جای گذشته، از آینده می‌گویند.

به نظر می‌رسد ایران و آمریکا اکنون در چنین نقطه‌ای ایستاده‌اند. اما نگاه‌ها تنها به امضای یک تفاهم‌نامه دوخته نشده است؛ آنچه اهمیت بیشتری دارد، چگونگی مدیریت این تفاهم و تبدیل آن به صلحی پایدار است؛ مسیری که می‌تواند آن را از دیگر توافقات تهران و واشینگتن متمایز کند. در غیر این صورت، آنچه پیش رو خواهد بود، شاید چیزی بیش از یک آتش‌بس موقت یا یک درگیری منجمد در دل نزاعی طولانی نباشد.

تهران می‌گوید اسرائیل و حزب‌الله بخشی از معادله این توافق هستند؛ اسرائیل در کنار آمریکا، و حزب‌الله که واشینگتن آن را گروهی تروریستی می‌داند در کنار ایران.

با این حال، حتی تصمیم‌گیران امروز نیز می‌دانند که اسرائیل طرف این تفاهم نیست. نبرد این کشور با حزب‌الله همچنان ادامه دارد و همین موضوع می‌تواند دست جمهوری اسلامی را برای واکنش‌های منطقه‌ای محدودتر کند.

در کنار این مسائل، ابهام‌های مهم دیگری نیز درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران، سرنوشت تحریم‌ها و سازوکار اجرای تعهدات باقی مانده است. تهران و واشینگتن در مرحله بعدی این تفاهم برای مدیریت صلح چه ابزارهایی در اختیار دارند؟ آیا این تفاهم مقدمه‌ای برای توافقی پایدار است یا صرفاً فرصتی برای تنفس در میانه یک بحران؟

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی از این فرصت چگونه استفاده خواهد کرد؟ آیا این دوره به تغییراتی در ساختار قدرت و آمادگی برای ورود تدریجی به عصر پساخامنه‌ای منجر می‌شود یا صرفاً پلی است برای عبور از دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا؟

در برنامه رادیویی «پاراگراف اول»، فاطمه حقیقت‌جو مدیر مرکز «خشونت‌پرهیزی برای دموکراسی» در واشینگتن و محمدامین نایب‌پور تحلیلگر سیاسی در نیویورک، راه رسیدن «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به یک توافق پایدار را به بحث گذاشته‌اند.



[لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

وابستگی متقابل راهی برای کاهش تنش

فاطمه حقیقت‌جو با اشاره به دو توافق مهم میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، توافق الجزایر ۱۹۸۱ و برجام ۲۰۱۵ که در مورد اول، «آمریکا به مفاد بیانیه‌ها پایبند نماند» و در مورد دوم نیز دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، به صورت یک‌جانبه از توافق خارج شد، معتقد است تا زمانی که روابط ایران و آمریکا عادی نشود، تنش‌ها ادامه خواهد داشت.

به اعتقاد خانم حقیقت‌جو، برجام الگویی نسبتاً موفق برای مدیریت تنش بود و می‌توانست زمینه‌ای فراهم کند تا برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز باقی بماند.

این نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا را موجب کاهش نقش اسرائیل در معادلات منطقه می‌داند و معتقد است در این صورت اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی ادغام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ایران نیز ناچار خواهد بود نگران از دست رفتن منافع اقتصادی خود باشد.

فاطمه حقیقت‌جو با طرح ایده «وابستگی متقابل برای کاهش تنش»، ورود آمریکا به بازار ایران را راهی برای افزایش تدریجی اعتمادسازی می‌داند.

در مقابل، امین نایب‌پور با انتقاد از دیدگاهی که آن را «مقصرمحور» و مبتنی بر «گناه اولیه خروج از برجام» می‌داند، معتقد است جمهوری اسلامی در ادبیات روابط بین‌الملل یک «دولت یاغی» است که از ابتدا با نظم بین‌الملل درگیر بوده و نمی‌تواند صرفاً با یک توافق به‌عنوان بازیگری قابل اعتماد شناخته شود.

او تأکید می‌کند هر تفاهمی میان واشینگتن و تهران تنها زمانی به توافق پایدار تبدیل می‌شود که «رفتار جمهوری اسلامی تغییر کند» و ایران در نظم بین‌المللی ادغام شود.

از دید آقای نایب‌پور، رابطه ایران و آمریکا یک رویارویی نامتقارن است؛ به‌گونه‌ای که یک طرف دیکته می‌کند و طرف دیگر یا باید بپذیرد یا هزینه بدهد. او این وضعیت را بخشی از «نظم آمریکایی» می‌داند که بسیاری از کشورها در آن ادغام شده‌اند.

فاطمه حقیقت‌جو ضمن مخالفت با «پذیرش یک نظم به‌عنوان قاعده‌ای الزام‌آور»، معتقد است که مخالفان تندروی این تفاهم‌نامه در داخل ایران مانع اصلی آن نیستند.

او می‌گوید: ایران می‌داند اگر به وضعیت اقتصادی خود رسیدگی نکند، ممکن است دوباره با اعتراض‌های اجتماعی روبه‌رو شود؛ بنابراین با توجه به ناتوانی اقتصاد فعلی، جمهوری اسلامی ناچار به سمت عادی‌سازی روابط با آمریکا حرکت خواهد کرد.

با این حال، امین نایب‌پور برای «تشتت گروه‌های سیاسی» پیرامون این تفاهم‌نامه نیز نقش قائل است. او معتقد است رفتار گذشته حکومت نشان می‌دهد انگیزه کافی برای توافق پایدار وجود ندارد، زیرا به باور او، مشروعیت جمهوری اسلامی بیشتر بر قدرت سخت استوار است تا قدرت نرم.

اسرائیل کلید توافق پایدار با آمریکا

امین نایب‌پور همچنین نقش اسرائیل را در مسیر هرگونه توافق پایدار میان ایران و آمریکا مهم می‌داند و دو سطح خطر برای این تفاهم‌نامه ترسیم می‌کند؛ نخست، امکان بر هم خوردن توافق از طریق بحران‌های منطقه‌ای مانند لبنان؛ و دوم، فشار گروه‌های حامی اسرائیل در آمریکا – نه فقط آپیک، بلکه گروه‌هایی مانند مسیحیان تبشیری – که می‌توانند بر روند تصویب توافق در کنگره اثر بگذارند.

از نگاه فاطمه حقیقت‌جو، متن این تفاهم‌نامه به‌گونه‌ای تنظیم شده که دو طرف بتوانند افکار عمومی داخلی خود را قانع کنند. او تأکید می‌کند هر دو طرف به این توافق نیاز دارند و برای پایداری آن باید تضمین‌های بین‌المللی، حتی در سطح شورای امنیت سازمان ملل، در نظر گرفته شود.

در مقابل، امین نایب‌پور با اشاره به تجربه چین معتقد است تغییر رفتار اساسی این کشور باعث شد به یک بازیگر «عادی» در نظام بین‌الملل تبدیل شود و ایران نیز باید چنین مسیری را طی کند؛ از جمله کنار گذاشتن ادبیات تهدیدآمیز در سیاست خارجی و حتی بازگشایی سفارت آمریکا در تهران به‌عنوان نشانه‌ای از عادی‌سازی روابط.

او در عین حال این سناریو را بعید می‌داند و احتمال «از بین رفتن تفاهم» را بیشتر از «تثبیت آن» ارزیابی می‌کند.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

ایران